روایت جامعه شناسانه از یک پویش ملی

«جان‌فدایی» را نهاد اجتماعی کنیم

گزارش

هدا احمدی
گروه سیاسی

در روزهایی که بحث دفاع از ایران، حفظ منافع ملی و نقش مردم در شرایط دشوار کشور بیش از همیشه به میان می‌آید، یک پرسش اساسی مطرح است وآن اینکه مسئولیت یک شهروند در قبال سرزمینش از کجا آغاز می‌شود و تا کجا ادامه پیدا می‌کند؟ آیا جان‌فدایی تنها در لحظه‌ای معنا دارد که پای دفاع نظامی و حضور در میدان جنگ در میان باشد یا می‌توان آن را در رفتارهای روزمره و انتخاب‌های فردی نیز جست‌وجو کرد؟

پاسخ چندان سخت نیست. از انجام درست وظیفه در محیط کار و رعایت حقوق دیگران گرفته تا تلاش برای تولید، فعالیت در عرصه‌های علمی و فرهنگی، مدیریت منابع و حتی صرفه‌جویی در مصرف انرژی، همگی می‌توانند در چارچوبی گسترده‌تر، بخشی از مسئولیت فرد در برابر جامعه و کشور تلقی شوند اما به اعتقاد بسیاری از صاحبنظران این تلقی لزوماً به مجموعه‌ای از رفتارهای اجتماعی محدود نمی‌شود و پشت آن نوعی نگاه به انسان، جهان و معنای زندگی قرار دارد.

در ماه‌های گذشته، میلیون‌ها ایرانی نام خود را در پویش «جان‌فدا» ثبت کرده‌اند. پویشی که در آغاز، اعلام آمادگی برای دفاع از ایران در شرایط تهدید و خطر را نمایندگی می‌کرد. نفس چنین استقبالی، فارغ از هر ارزیابی دیگری، حامل معنایی اجتماعی است یعنی بخش بزرگی از جامعه خواسته است به شکلی آشکار بگوید که نسبت به سرنوشت ایران بی‌تفاوت نیست اما درست از همین جا پرسشی مهم‌تر آغاز می‌شود. پرسشی که شاید ارزش آن از شمار ثبت‌نام‌کنندگان نیز بیشتر باشد و آن اینکه جان‌فدا بودن دقیقاً به چه معناست؟ آیا ثبت‌نام در یک سامانه، خود به تنهایی کسی را «جان‌فدای ایران» می‌کند؟ در مقابل، آیا کسی که به هر دلیل در این پویش ثبت‌نام نکرده است، بیرون از دایره کسانی قرار می‌گیرد که ایران را دوست دارند و در هنگام ضرورت از آن دفاع خواهند کرد؟ چه کسی اصولاً صلاحیت دارد چنین مرزی را ترسیم کند؟ این پرسش اهمیت زیادی دارد، زیرا اگر یک پویش ملی از نشانه‌ای برای همبستگی به ابزاری برای تفکیک جامعه به «وفاداران» و «غیروفاداران» تبدیل شود، بخشی از فلسفه وجودی خود را از دست خواهد داد. ایران متعلق به ثبت‌نام‌کنندگان یک پویش نیست. همان‌گونه که وطن‌دوستی نیز با عضویت در هیچ فهرستی آغاز یا پایان نمی‌یابد. ممکن است کسی در پویش جان‌فدا ثبت‌نام نکرده باشد و حقیقتاً در لحظه خطر آماده دفاع از کشور باشد. ممکن است دیگری ثبت‌نام نکرده باشد اما در همان لحظه، با تمام توان به کمک مردم و کشور بیاید. ممکن است فردی اصلاً از وجود چنین پویشی مطلع نشده باشد و سال‌ها زندگی حرفه‌ای و اجتماعی خود را مسئولانه در خدمت همین جامعه گذرانده باشد. پس ثبت‌نام را شاید بهتر باشد نه «گواهی وطن‌دوستی»، بلکه اعلام یک تعهد بدانیم و اگر آن را تعهد بدانیم، تازه پرسش اصلی آغاز می‌شود. کسی که خود را جان‌فدای ایران نامیده، چه مسئولیتی بر عهده گرفته است؟

در همین راستا، مریم زارعیان جامعه شناس در گفت‌وگو با «ایران» یکی از روشن‌ترین مصادیق جان‌فدایی را دفاع از سرزمین در هنگام جنگ و تهدید نظامی عنوان می‌کند و معتقد است:«انسانی که جان خود را برای امنیت مردم و تمامیت سرزمینی کشور به خطر می‌اندازد، یکی از عالی‌ترین صورت‌های فداکاری را به نمایش می‌گذارد اما کشور فقط در روز جنگ به شهروندان خود نیاز ندارد. ایران در روزهای عادی نیز نیازمند جان‌فدایی است. نیازمند معلمی است که آینده کودکان را قربانی بی‌انگیزگی نکند. پزشکی که سلامت بیمار را مقدم بداند. مدیری که منابع عمومی را ملک شخصی خود نبیند. پژوهشگری که علم را به ظاهرسازی تقلیل ندهد. تولیدکننده‌ای که کیفیت را فدای سود زودگذر نکند. خبرنگاری که حقیقت را قربانی مصلحت جناحی نکند و شهروندی که در مصرف آب، انرژی و منابع عمومی فقط منفعت آنی خود را نبیند.»

وی با بیان اینکه در این معنا، جان‌فدایی همیشه «دادن جان» نیست. گاهی گذشتن از منفعت شخصی برای منفعت عمومی است، گفت: «اگر کسی نام خود را به عنوان جان‌فدای ایران ثبت کرده است، شاید اولین تعهد او همین باشد که هرجا میان منفعت محدود شخصی و زیان آشکار به ایران قرار گرفت، دست‌کم لحظه‌ای از خود بپرسد کدام انتخاب به خیر عمومی نزدیک‌تر است. این پرسش، سنجه‌ای بسیار دشوارتر از ثبت‌نام است. انسان ممکن است در گفتار آماده بزرگ‌ترین فداکاری‌ها باشد اما در زندگی عادی نتواند از کوچک‌ترین منفعت خود بگذرد. ممکن است از ایران بسیار سخن بگوید ولی در جایگاه مدیریتی منابع کشور را هدر دهد. ممکن است دیگری را به کمبود وطن‌دوستی متهم کند اما خود هنگامی که قانون با منفعتش تعارض پیدا می‌کند، راه دور زدن آن را انتخاب کند.»

جان‌فدایی برای ایران فضیلت است

«همه داد وطن‌خواهی زنند، اما نمی‌دانم/ وطن‌خواهی به گفتار است یا کردار، یا هر دو؟»اینجاست که بیت ابوالقاسم لاهوتی معنای جامعه‌شناختی پیدا می‌کند: وطن‌خواهی فقط در گفتار سنجیده نمی‌شود؛ کردار بخش مهمی از آن است. به همین دلیل است که این جامعه شناس اعتقاد دارد که شاید پویش جان‌فدا بتواند از یک «پویش ثبت‌نام» به یک «پرسش اجتماعی» تبدیل شود. بنابراین هر یک از میلیون‌ها نفری که نام خود را در آن نوشته‌اند می‌توانند از خود بپرسند: «اگر امروز میدان جنگی در کار نباشد، سهم من در حفاظت از ایران چیست؟» اما این پرسش نباید فقط از مردم پرسیده شود.



مریم زارعیان: نهاد جان‌فدای ایران نهادی است که در تعارض میان منفعت سازمانی یا جناحی و خیرعمومی، بتواند ایران و مردم را مقدم بداند؛ منابع عمومی را امانت بداند؛ در برابر خطا پاسخگو باشد؛ تصمیم خود را توضیح دهد و حاضر باشد رویه‌ای را که به جامعه آسیب می‌زند، حتی اگر به سود خود اوست، اصلاح کند

به گفته زارعیان، اگر «جان‌فدایی برای ایران» یک فضیلت است، نهادها نیز باید بتوانند در برابر همان معیار قرار گیرند زیرا جامعه فقط از افراد ساخته نشده است. تصمیم نهادها بر زندگی میلیون‌ها نفر اثر می‌گذارد؛ بر فرصت تحصیل، اشتغال، دسترسی به منابع، احساس عدالت، امید به آینده و اعتماد به جامعه. بنابراین نمی‌توان مسئولیت برای ایران را فقط از شهروند مطالبه کرد و نهادها را از آن معاف دانست. از این منظر، زارعیان از «جان‌فدایی نهادی» سخن گفت و این تعریف را ارائه داد: «نهاد جان‌فدای ایران نهادی است که در تعارض میان منفعت سازمانی یا جناحی و خیرعمومی، بتواند ایران و مردم را مقدم بداند؛ منابع عمومی را امانت بداند؛ در برابر خطا پاسخگو باشد؛ تصمیم خود را توضیح دهد و حاضر باشد رویه‌ای را که به جامعه آسیب می‌زند، حتی اگر به سود خود اوست، اصلاح کند. درست همین جا می‌توان سنجه جان‌فدایی را از گفتار به کردار منتقل کرد. برای مثال، اگر سیاستی در توزیع فرصت‌های آموزشی اجرا می‌شود، صرفاً کافی نیست که نیت خیر آن اعلام شود. سیاست باید بتواند در برابر این پرسش پاسخ دهد که چه اثری بر عدالت، اعتماد و فرصت‌های جوانان دارد. سیاست‌های حمایتی و جبرانی ممکن است در مواردی ضروری باشند، اما استمرار و دامنه آنها نیز باید قابل توضیح، شفاف و قابل ارزیابی باشد. زیرا جوانی که از او انتظار داریم نسبت به ایران احساس مسئولیت کند، باید در تجربه روزمره خود نیز احساس کند که نهادهای کشور نسبت به آینده او مسئولند.»

به عقیده این پژوهشگر، همین معیار در سیاست خارجی نیز کاربرد دارد، یعنی در شرایطی که ایران با فشار خارجی، تحریم، تهدید امنیتی و مشکلات اقتصادی مواجه است، می‌توان درباره شیوه تأمین منافع ملی اختلاف نظر داشت. گروهی ممکن است بر قدرت بازدارندگی تأکید بیشتری داشته باشند و گروهی بر مذاکره و دیپلماسی. هیچ‌یک از این دو انتخاب، صرفاً با نام خود، گواه وطن‌دوستی یا بی‌وطنی نیست.



ایران از ابزار مهمتر است

در ادامه زارعیان اینطور تحلیل می‌کند که اگر مذاکره‌ای بتواند بخشی از فشار را از زندگی مردم کم کند و منافع کشور را حفظ کند، باید بتوان آن را بدون ترس از برچسب خوردن بررسی کرد. اگر مذاکره‌ای به منافع ملی لطمه می‌زند، باید بتوان آن را نقد کرد. همان‌گونه که تقویت قدرت دفاعی ممکن است در مقطعی ضرورتی ملی باشد، درباره هزینه و شیوه آن نیز باید امکان گفت‌وگوی عقلانی وجود داشته باشد.

اما به گفته این جامعه شناس، اگر اختلاف درباره یک ابزار سیاسی به جایی برسد که طرف مقابل «خائن» یا «فاقد وطن‌دوستی» خوانده شود، مسأله‌ای بزرگ‌تر ایجاد می‌شود: گروهی برای خود حق تعیین مرزهای وطن‌دوستی قائل شده است. چه کسی چنین حقی دارد؟ آیا کسی می‌تواند به صرف مخالفت با یک سیاست، دیگری را از دایره وفاداران به ایران خارج کند؟ همان‌گونه که نمی‌توان گفت هرکس در پویش جان‌فدا ثبت‌نام نکرده است ایران را کمتر دوست دارد، نمی‌توان درباره تعلق افراد به وطن نیز فقط از روی موافقت یا مخالفت آنان با یک سیاست داوری کرد.

نسبت صدا و سیما با جان‌فدایی

وی افزود: «این مسأله درباره رسانه ملی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. رسانه‌ای که خود بر مفهوم جان‌فدایی تأکید می‌کند، شاید بیش از بسیاری از نهادها باید نسبت خود را با این مفهوم بسنجد. اگر جان‌فدایی یعنی مقدم دانستن ایران بر منفعت محدود، رسانه ملی نیز باید بتواند ایران را بر ترجیح جناحی مقدم بداند. این به معنای حذف دیدگاه‌های منتقد مذاکره یا هر سیاست دیگری نیست؛ درست برعکس. منتقد باید بتواند سخن بگوید، استدلال کند و هشدار دهد اما رسانه‌ای که عنوان «ملی» دارد، مسئولیت دارد امکان شنیده‌شدن استدلال‌های متفاوت را نیز فراهم کند و اجازه ندهد اختلاف سیاسی به داوری درباره میزان ایرانی بودن افراد تبدیل شود. سنجه اینجا نیز همان است: این رفتار چه اثری بر ایران دارد؟ آیا اعتماد را بیشتر می‌کند یا کمتر؟ آیا به همبستگی اجتماعی کمک می‌کند یا جامعه را به گروه‌های «خودی» و «غیرخودی» تقسیم می‌کند؟ آیا امکان تصمیم عقلانی را افزایش می‌دهد یا جای استدلال را به اتهام می‌دهد؟ اگر میلیون‌ها نفر گفته‌اند «جان‌فدای ایرانیم»، عظمت این پویش زمانی بیشتر می‌شود که پیام آن چنین فهمیده شود: ما آماده‌ایم برای ایران مسئولیت بپذیریم؛ نه اینکه درباره میزان ایران‌دوستی دیگران حکم صادر کنیم.»

این جامعه شناس با تأکید براینکه در چنین برداشتی، ثبت‌نام آغاز مسئولیت است، نه پایان آن خاطرنشان کرد: «آنکه ثبت‌نام کرده است باید بیش از گذشته از خود بپرسد در بحران چه می‌کند؛ هنگامی که کشور به تخصص او نیاز دارد چه می‌کند؛ زمانی که جامعه با کمبود منابع مواجه است چگونه رفتار می‌کند؛ وقتی در جایگاه مدیریتی قرار می‌گیرد منافع چه کسی را مقدم می‌داند؛ هنگامی که با فردی متفاوت از خود روبه‌رو می‌شود آیا او را از دایره وفاداران به ایران خارج می‌کند یا نه و آن‌که ثبت‌نام نکرده نیز نباید برای اثبات تعلق خود به ایران مجبور به ارائه گواهی باشد.»

وی افزود: «وفاداری به وطن چیزی نیست که بتوان تمام ابعاد آن را در یک سامانه ثبت کرد. آزمون واقعی بسیاری از ارزش‌ها زمانی فرامی‌رسد که جامعه با یک بحران مواجه می‌شود و هرکس باید انتخاب کند: تماشاگر بماند، فقط از دیگران مطالبه کند یا بخشی از بار مشترک را بر دوش بگیرد. شاید مهم‌ترین پرسشی که پویش جان‌فدا می‌تواند برای جامعه ایران به یادگار بگذارد، نه «چند نفر ثبت‌نام کردند؟» بلکه این باشد:اگر روزی ایران به ما نیاز داشته باشد، هریک از ما چه چیزی حاضریم برای آن کنار بگذاریم؟ آن‌گاه جان‌فدایی از یک عبارت حماسی به یک اخلاق اجتماعی تبدیل می‌شود.»

به اعتقاد زارعیان، میدان آن نیز فقط جایی نیست که گلوله می‌بارد. کلاس درس، دانشگاه، کارخانه، بیمارستان، اداره، رسانه، عرصه سیاست و حتی خانه می‌توانند میدان مسئولیت باشند. و شاید آن زمان بتوان معنای «جان‌فدای ایران» را دقیق‌تر فهمید: نه کسی که فقط بلندتر از دیگران از وطن سخن می‌گوید و نه کسی که حق وطن‌دوستی را برای خود و همفکرانش انحصاری می‌کند؛ بلکه انسانی یا نهادی که وقتی لحظه انتخاب فرا می‌رسد، می‌تواند نشان دهد ایران برای او فقط واژه‌ای در گفتار نیست، بلکه معیاری در کردار است.

وزیر کشور با امیر قطر دیدار کرد

رایزنی درباره توافقات و وضعیت خلبانان ایرانی



خبر

گروه سیاسی

وزیر کشور از تشکیل کارگروه مشترک میان وزارتخانه‌های کشور ایران و قطر برای پیگیری و اجرای تصمیمات و توافقات مطرح شده در دیدارهای اخیر خبر داد و گفت: «شرایط برای ارتقای روابط دو کشور در حوزه‌های امنیتی، تجاری و اقتصادی فراهم است.»

اسکندر مؤمنی که از روز دوشنبه هفته جاری برای دیدار و گفت‌وگو با مقامات قطری در دوحه به سر می‌برد، پس از دیدار با امیر قطر، این دیدار را خوب و سازنده توصیف کرد و گفت: «در این نشست درباره موضوعات مورد علاقه دو کشور گفت‌وگو و پیام‌ها و موضوعاتی که مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری، بر طرح آنها تأکید کرده بود، مطرح شد که با استقبال و حسن نظر امیر قطر همراه بود.»

وی با اشاره به روابط ایران و قطر اظهار کرد: «روابط دو کشور، روابطی خوب، برادرانه و سازنده است و طبیعتاً موضوعات فی‌مابین در چنین نشست‌هایی مطرح و برای آنها راهکارهایی پیدا می‌شود.»

وزیر کشور افزود: «امیر قطر نیز موضوعاتی را مطرح کرد که قرار شد پس از بازگشت، آنها را به اطلاع رئیس جمهوری برسانم. همچنین درباره تحولات منطقه، نظرات و پیشنهادهایی مطرح شد که آنها را نیز در تهران به استحضار رئیس‌جمهوری خواهم رساند.»

مؤمنی با اشاره به دیدار مفصل خود با وزیر کشور قطر گفت: «در این دیدار درباره موضوعات مختلف دوجانبه و مسائل مورد علاقه دو وزارتخانه از جمله جرایم سازمان‌یافته، همکاری گاردهای ساحلی، مسائل امنیتی و مبارزه با قاچاق مواد مخدر بحث و بررسی شد.»

وی ادامه داد: «در این نشست مقرر شد کارگروه مشترکی با حضور نمایندگان دو وزارتخانه تشکیل شود تا تصمیمات و توافقات اتخاذشده را پیگیری کند.»

وزیر کشور همچنین از برگزاری نشست کارشناسی امنیتی میان دو کشور خبر داد و گفت: «قرار شد این نشست بلافاصله پس از سفر ما برگزار شود و نشست‌های کارشناسی در این حوزه نیز استمرار داشته باشد.»

مؤمنی درباره موضوع خلبانان ایرانی نیز گفت: «در این خصوص مذاکراتی انجام و مقرر شد هیأت فنی مجدداً مراجعه و در راستای ادامه کار، جلساتی را برگزار کند.»

وی با اشاره به جایگاه قطر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گفت: «سیاست جمهوری اسلامی ایران توجه ویژه به کشورهای همسایه و منطقه است و منطقه گرایی و همسایگی، سیاست قطعی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.»

مؤمنی ابراز امیدواری کرد با پیگیری توافقات و تصمیمات اتخاذشده، روابط ایران و قطر در بخش‌های مختلف بیش از پیش توسعه یابد.

وزیر کشور همچنین با اشاره به بررسی تحولات منطقه در دیدارهای خود با مقامات قطری گفت: «تحولات منطقه در شرایط کنونی نیز مورد بحث قرار گرفت و در مجموع، جلسه‌ای خوب، مفید و رو به جلو بود.»

در ادامه بررسی طرح مقابله با نفوذ بیگانگان در مجلس تصویب شد

ممنوعیت اتباع ایرانی برای مصاحبه با رسانه‌های معاند

نشست علنی دیروز مجلس به ریاست علی نیکزاد، نایب‌رئیس اول مجلس شورای اسلامی و با دستور کار اصلی رسیدگی به گزارش کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در مورد طرح مقابله با نفوذ بیگانگان برگزار شد. در این نشست، مواد۲۰ و ۲۲ این طرح به تصویب نمایندگان رسید. در ماده ۲۲ طرح مقابله با نفوذ که با ۱۷۴ رأی موافق، ۶ رأی مخالف و ۲ رأی ممتنع از مجموع ۲۶۳ نماینده حاضر در جلسه تصویب شد، آمده است: «مصاحبه و شرکت اتباع ایرانی در گفت‌وگو با رسانه‌ها یا انسان رسانه‌هایی که توسط وزارت اطلاعات به عنوان «معاند» تعیین و اعلام عمومی شده‌اند یا تحت مالکیت یا مدیریت یا بودجه کارگزاران مرتبط با دولت‌های سطح یک یا دو قرار دارند، جز با رعایت مقررات این قانون ممنوع بوده و مستوجب یک یا چند مورد از مجازات‌های درجه شش موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی است. مقامات از مفاد ماده مستثنی هستند.» همچنین بر اساس ماده۲۰ مصوب نمایندگان «هر کس اطلاعات، گزارش‌ها و داده‌ها با آمار رسمی منتشر نشده کشور را که به اعتبار شغل، سمت یا مأموریت قانونی خود به آنها دسترسی یافته یا به طور مستقیم و از طریق ارتباط حرفه‌ای با دارندگان مشاغل مربوط از آنها مطلع شده است، بدون اخذ مجوز قبلی از سامانه در اختیار کارگزار بیگانه قرار دهد در صورتی که برای این رفتار در این قانون یا سایر قوانین مجازات شدیدتری پیش‌بینی نشده باشد، به حبس درجه چهار و محرومیت دائم از تصدی شغلی که به اعتبار آن به اطلاعات دسترسی داشته یا از طریق آن اطلاعات را ارائه نموده است، محکوم می‌شود.»

پاسخ نیکزاد به لفاظی آمریکایی‌ها

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی روز گذشته نامه رئیس جمهوری در خصوص معرفی مهرداد اخلاقی به عنوان وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح را قرائت کرد. نیکزاد در نطق پیش از دستور در خصوص ادعاهای پوچ و از سر استیصال رئیس جمهوری آمریکا گفت: «باز بودن یا بسته بودن تنگه هرمز را نمایشگرهای قیمت سوخت در آمریکا تعیین می‌کند نه توئیت‌های پوچ،» به گزارش خانه ملت، علی نیکزاد در این باره تصریح کرد: «طبیعی است که وقتی یک به اصطلاح ابرقدرت، در مواجهه با اراده پولادین و ایمان راسخ ملت بزرگ ایران طعم تلخ شکست را چشیده است، تلاش کند تا با کار رسانه‌ای و تهدید و هوچی گری از قبول این شکست مفتضحانه سر باز بزند. اما واقعیت‌ها را میدان تعیین می‌کند و نه لفاظی.» وی با بیان اینکه تهدیدهای رئیس جمهوری متوهم آمریکا، کاربرد داخلی دارد وارزش میدانی ندارد، تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران آماده است تا پاسخ هرگونه ماجراجویی دوباره را محکم‌تر، کوبنده‌تر و شدیدتر بدهد.»

مرکز مبادله ارز و طلای ایران
Iran Center For Exchange Of Currency And Gold

فراخوان عمومی ارزیابی کیفی
تأمین‌کنندگان خدمات هم‌مکانی و میزبانی (Co-location & Hosting) و سایر خدمات مرتبط

شرکت مرکز مبادلهٔ ارز و طلای ایران (سهامی خاص) در نظر دارد از طریق فراخوان عمومی نسبت به ارزیابی کیفی و شناسایی شرکت‌های دارای زیرساخت ارتباطی، پردازشی و امنیتی (مشروح در اسناد) در راستای تهیهٔ فهرست تأمین‌کنندگان خدمات مورد نیاز خود با موضوع «هم‌مکانی، میزبانی و سایر خدمات مرتبط» که دارای گواهی‌نامهٔ صلاحیت از سازمان برنامه و بودجه کشور (در رشته‌های امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات، خدمات شبکه‌های اطلاع‌رسانی Providers، خدمات پشتیبانی، شبکهٔ داده‌های رایانه‌ای و مخابراتی، مشاوره و نظارت بر اجرای طرح‌های انفورماتیک و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، ارائه و پشتیبانی نرم‌افزارهای پایه سیستم و ابزارها) با اعتبار حداقل یک‌ساله هستند، اقدام نماید.

محل، زمان و مهلت دریافت اسناد: از روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۸ تا پایان ساعت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۱ از دبیرخانهٔ مرکز واقع در آدرس شرکت، طبقهٔ ۱۸

محل و مهلت تحویل اسناد: تا پایان ساعت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۴ به دبیرخانهٔ مرکز

گشایش پاکات ارزیابی کیفی: پس از پایان ساعت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۴ در محل شرکت

آدرس شرکت: تهران، خیابان شهید سیدحسن نصرالله (وزرا)، نبش خیابان بیستم، پلاک ۷۰، ساختمان مرکز مبادلهٔ ارز و طلای ایران

تلفن تماس: ۰۲۱۷۲۰۸۷۰۰۰ **دورنگار:** ۰۲۱۷۲۰۸۷۲۲۲ **تارنما:** www.ice.ir

آگهی مناقصه عمومی شماره ۱۴۰۵/۸۸۰۰/۱۷ تک مرحله‌ای

بانک قرض‌الحسنه مهر ایران

بانک قرض‌الحسنه مهر ایران در نظر دارد نسبت به برگزاری مناقصه عمومی تک‌مرحله‌ای خرید، نصب، راه‌اندازی و گارانتی تجهیزات پسیو شبکه مرکز داده بانک اقدام کند.

۱ **مهلت دریافت اسناد مناقصه**، حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۷

۲ **مهلت تحویل پاکت‌ها**، حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۸ و به آدرس تهران، خیابان میرزای شیرازی، نبش کوچه شهدا، پلاک ۲۲۷، طبقه۴ دبیرخانه مناقصات و مزایدات بانک قرض‌الحسنه مهر ایران، است.

۳ متقاضیان جهت دریافت اوراق مناقصه باید نسبت به واریز مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال به‌شماره حساب ۲-۲۹۵۴۳۷-۷۱۰-۳۰۰۱ شبای IR۱۶۰۶۰۰۳۰۰۱۷۱۰۰۰۲۹۵۴۳۷۰۰۲ از طریق شعب بانک قرض‌الحسنه مهر ایران، به‌نام اداره کل تدارکات و پشتیبانی اقدام کرده و اصل رسید آن را هنگام دریافت اوراق تحویل دبیرخانه مناقصه و مزایده دهند (مبلغ مذکور به هیچ عنوان عودت داده نخواهد شد).

۴ هزینه آگهی بر عهده برنده مناقصه است.

۵ **نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار:** بانک قرض‌الحسنه مهر ایران، دارای شماره ثبت ۳۱۲۱۸۱، شناسه ملی: ۱۰۱۰۳۵۰۹۸۶۸، کد اقتصادی: ۴۱۱۳۱۹۸۹۳۸۹۸، کدپستی: ۱۵۸۱۷۷۳۱۱۱، به نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نرسیده به تقاطع مفتح، نبش کوچه مژدهی، پلاک ۲۰۴

۶ بر این اساس متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه، با در دست داشتن معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر و همچنین مطابق با شرایط فوق به دبیرخانه مناقصه و مزایده خیابان میرزای شیرازی، نبش کوچه شهدا، پلاک ۲۲۷، طبقه ۴ مراجعه فرمایند.

آگهی مناقصه بازسازی ساختمان شهید بهشتی
نفت پارس

نوبت اول

شرکت نفت پارس در نظر دارد بازسازی ساختمان شهید بهشتی را از طریق مناقصه عمومی به شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وب‌سایت رسمی شرکت به آدرس: http://www.parsoilco/fa/tender.html مراجعه فرمایند.

مهلت ارسال پاکات پیشنهاد:
تا ساعت ۱۶:۰۰ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۶

تذکرات مهم:
- واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و براساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.
- به پیشنهادهای مشروط، فاقد امضا یا مهر، مبهم، فاقد تضمین/ سپرده شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- این آگهی صرفاً به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ‌گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی‌نماید. شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

ابلاغ آگهی

بدین‌وسیله به‌اطلاع **خانم حدیثه شعبانی رضوانی فرزند جعفر**، پرستار (رسمی) در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران می‌رساند؛ نظر به اینکه رأی قابل پژوهش شماره ۵۷۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۷ هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی ایران مبنی بر انفصال موقت به مدت یک سال از دستگاه متبوع صادر گردیده و هیچگونه نشانی از ایشان در دسترس نمی‌باشد، لذا مشارالیها در صورت اعتراض به رأی صادره حداکثر ظرف مدت سی روز از تاریخ آگهی فوق می‌توانند به مدیریت منابع انسانی دانشگاه مراجعه نمایند.

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه علوم پزشکی ایران